

# پیوست فرهنگی و نقش آن در توسعه امنیت ملی

دکتر محمد علی بصیری \*

عبدالرحمن افشاری \*\*

## چکیده

پیوست فرهنگی مفهوم جدیدی است که به ملحوظ داشتن سهم فرهنگ در پدیده‌ها و موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی معطوف است. پیوست فرهنگی تلاش آگاهانه وازپیش‌طراحی شده برای جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی بهره‌گیری از علوم، فن‌آوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی و همچنین اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی است. در این معنا هدف پیوست فرهنگی شناخت بعد فرهنگی کلیه پدیده‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه است، تا از طریق آن تاثیر و تاثرات متقابل فرهنگ و پدیده‌ها مدیریت گردد. یکی از کارکردهای پیوست فرهنگی بسط و گسترش امنیت در تمامی ابعاد فنی، زیر ساختی و روینایی است. در این معنا توجه به مولفه‌های فرهنگی و تاثیرات فرهنگی

انجام پروژه‌ها می‌تواند در تقویت و بسط امنیت کارساز باشد، مساله ای که پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی در پی تبیین آن است.

**کلیدواژگان:** فرهنگ، پیوست فرهنگی، امنیت ملی، توسعه پایدار

\* استاد یار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان [Basiri360@yahoo.com](mailto:Basiri360@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

[Abdolrahman\\_afshari@yahoo.com](mailto:Abdolrahman_afshari@yahoo.com)

## مقدمه

طرح «پیوست فرهنگی» که مورد توجه خاص رهبر انقلاب است، بخشی از موضوع «مهندسی فرهنگی» است که رهبر انقلاب طی سال‌های اخیر تاکید زیادی بر آن داشته‌اند. در واقع پیوست فرهنگی یک راهکار عملیاتی مطرح برای همه طرح‌های صنعتی، عمرانی و در کل اقتصادی است و طی آن باید در کنار برنامه و نقشه اجرایی هر طرح ملی و منطقه‌ای، نقشه و برنامه پیوست فرهنگی آن هم تدوین و ضمیمه شود. در هر منطقه از ایران که قرار است صناعی ایجاد شود، لازم است پیامدها و بازخوردهای فرهنگی آن هم بررسی کارشناسی و لحاظ شود. یکی از مهم‌ترین کارکردهای توجه به پیوست فرهنگی در بعد امنیت ملی است. بدین معنا که توجه به الزامات پیوست فرهنگی، ضریب امنیت ملی را در ابعاد مختلف، به ویژه ابعاد نرم افزاری افزایش خواهد داد. بر این اساس مفروض مقاله حاضر این است که مقوله پیوست فرهنگی به طور مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت ملی در ابعاد مختلف تاثیر گذار است. اما اینکه پیوست فرهنگی چه تاثیری بر امنیت ملی خواهد داشت مساله ای است که در ادامه به واکاوی بیشتر آن پرداخته خواهد شد.

## پیوست فرهنگی

پیوست فرهنگی ابزار کارسازی برای این سطح از مدیریت محسوب می‌شود. در واقع پیوست فرهنگی یک «ابزار» است برای اجرا که بدون حضور نقشه‌ها و سیاست‌های کلان کارآمدی نخواهد داشت. بعبارت دیگر پیوست فرهنگی ابزار پیوند بین مدیریت راهبردی و مدیریت اجرایی فرهنگ است. هدف پیوست فرهنگی شناخت بعد فرهنگی کلیه پدیده‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه است، تا از طریق آن تاثیر و تاثرات متقابل فرهنگ و پدیده‌ها را مدیریت نماید. بعبارتی پیوست فرهنگی شناخت نسبت و تناسبات بعد فرهنگی هر موضوع و پدیده است. پیوست فرهنگی مفهوم جدیدی است که در تمامی معادلات و مناسبات پنداری و ساختاری وارد شده است؛ در واقع به معنای ارزیابی و ملحوظ داشتن سهم فرهنگ در پدیده‌ها و موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. این مفهوم در غرب به همین مصداق در سابقه طولانی تری در عمل دارد. پالمر (Robert palmer) (۲۰۰۴) هر گونه نگرش برنامه‌ای به فرهنگ را با ملاحظات فرهنگی مد نظر قرار می‌دهد. بدین معنا که نباید به فرهنگ نگرش برنامه‌ای داشت بلکه تمامی برنامه‌ها بایستی با نگرش‌های فرهنگی تنظیم گردد. به اعتقاد وی فرهنگ در هر نوع برنامه ریزی توسعه‌ای و منطقه‌ای بایستی بکار گرفته شود. فرهنگ از دید وی یک بوم سازه<sup>۱</sup> است که بایستی در بخش مالی، تکنولوژیکی و بروکراسی در جامعه لحاظ گردد (پالمر، ۲۰۰۴: ۹). اگرچه فلسفه وجودی پیوست فرهنگی را تلاش آگاهانه و از پیش طراحی شده برای جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی بهره‌گیری از علوم، فن‌آوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی و همچنین اصلاح‌کار کردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی است (بنیانیان، ۱۳۸۹: ۲). معرفی می‌کنند. اما این مفهوم به عنوان بخشی از نگرش تجویزی (فرهنگ مطلوب) به فرهنگ در

<sup>۱</sup> - Ecosystem

قالب مهندسی فرهنگی است. مقوله ای که مناقشات فراوان پیرامون ضرورت یا عدم ضرورت آن و کیفیت انجام آن قابل طرح است که در دسته بندی زیر بدان پرداخته شده است.

در نظام‌های لیبرالیستی<sup>۱</sup> اصل آزادی انسان‌چهارچوب نگرش به مسائل فرهنگی را شکل می‌دهد. در نظام‌های لیبرال دموکراتیک<sup>۲</sup>، اعتقاد بر این است که عرصه فرهنگی، عرصه‌ای خصوصی است. در این نظام‌ها باور اصلی بر این اصل استوار است که در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و براساس تنوع فرهنگی هر جامعه‌ای، باید برنامه‌ریزی فرهنگی متناسب با آن شرایط طرح شود. در این گونه نظام‌ها، اصل اصالت آزادی انسان از هرگونه قید و بند به عنوان خط قرمز تعیین شده است. لذا تمامی قوانین، برنامه‌ها و اقدامات در چارچوب حفظ اصل آزادی انسان انجام می‌گیرد. در نظام‌های میلیتاریستی<sup>۳</sup> فرهنگ ابزار قدرت حاکم است. این در حالی است که در نظام‌های اریستوکراسی فرهنگ عامل مشروعیت بخشی به حاکمیت است (کاووسی و چاوش باشی، ۱۳۸۷: ۶).

در نظام‌های ایدئولوژیکی فرهنگ تلفیقی از مداخله دولت و نهادهای مدنی است. در این نظام‌ها دو عرصه هم‌زمان «دولت» و «نهادهای مدنی»<sup>۴</sup> وجود دارد، اما عرصه اصلی تحول فرهنگی در اختیار دولت است و دولت خود را متولی تولید، توزیع، برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت بر فرهنگ می‌داند. در ساختار مارکسیستی<sup>۵</sup> فرهنگ ابزار سرمایه و سرمایه‌داری است؛ از دیدگاه مارکسیستی، فرهنگ فاقد ماهیت است و برای سرمایه نقشی ابزاری ایفاء می‌کند. در ساختارهایی که دولت متولی امر برنامه‌ریزی است فرهنگ را جزئی از زیر مجموعه خود تلقی می‌کند (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۸۷: ۱۲). به هر

<sup>۱</sup>- Liberalistic

<sup>۲</sup>- Liberal Democratic

<sup>۳</sup>- Militarists

<sup>۴</sup>- Civil institutions

<sup>۵</sup>- Marxist

حال در خصوص چگونگی مداخله و یا مشارکت دولت به عنوان بارزترین نماد سیاست یک جامعه در امر سیاست گذاری فرهنگی مناقشات فراوانی وجود دارد.

در خصوص امکانمندی نگرش تجویزی (فرهنگ مطلوب) به فرهنگ مجادلات زیادی وجود دارد (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۳۲). در پاره ای از مناقشات مطرح می شود که انسان در عصر مدرن به آن سطح از خودآگاهی و خردمندی دست یافته که بتواند مصالح اش را تشخیص دهد و برای رسیدن به آن تلاش کند بر این اساس نگرش تجویزی موضوع گفتمان پیش از مدرن است. گفتمانی که در آن عده ای به واسطه جایگاه عقل و خرد در موقعیت های هستی شناختی برتر و بالاتری نسبت به دیگران قرار داشتند و می توانستند راهنمای عمل دیگران باشند (مثل پیامبران) اما در جهان مدرن این امکان منتفی است زمانی که همگان به واسطه «به یک اندازه در اختیار داشتن ماده عقل» در جایگاه یکسان قرار می گیرند چگونه می توان جایگاه متفاوتی برای افراد هم نوع تعریف کرد. از سوی دیگر اگر شرایط حیات در جهان امروز به واسطه تعدد اندیشه ها و گفتمان ها، وجود هویت های متعدد و متنوع و در هم تنیدگی مرزهای جغرافیایی به گونه ای متغیر و متفاوت از قبل است و این امکان بهترین اندیشه مطلوب را منتفی می سازد.

از این منظر نگرش فرهنگ مطلوب برای رسیدن به جامعه مطلوب موضوع قرار دادن فرهنگ در گفتمان سیاسی است که خود برای غلبه بر اندیشه انسان آزاد در صدد است ماهیت هژمونیک فرهنگ را به ابزاری بر انقیاد انسان و انتفاع از تصلب اندیشه او مبدل سازد. از سوی دیگر امر مطلوب ماهیتی پیشینی ندارد؛ بلکه آنچه که نوع بشر به واسطه نیاز و اقتضا به اتکای عقل خویش بر می گزیند فارغ از اندیشه پیشینی ماهیتی مطلوب دارد و مطلوبیت آن واجد امضای عقل تاریخی نیست.

در این بین این اعتقاد نیز وجود دارد که لازمه معناداری زندگی انسان، جهت دار بودنش به سمت آینده ای مطلوب است. برای رسیدن به این وضعیت مطلوب ضرورتاً باید

به تبیین اهداف، ارائه راهکار و به طور کلی برنامه ریزی روی آورد، اینجاست که نگرش فرهنگ مطلوب هم موضوعیت می یابد و هم ضرورت پیدا می کند. توجه به ماهیت متغیر و متناقض فرهنگ در درون و ضرورت توجه به ارتباط سیستماتیک فرهنگ با سایر نهادها و عناصر نظام اجتماعی برای حفظ ثبات و انسجام اجتماعی انسان را به سمت برنامه ریزی برای فرهنگ سوق می دهد.

در اندیشه گروه مخالف، نگرش تجویزی فراتر از ابزار انگاری فرهنگ در دست سیاستمداران، نیست چرا که این تعبیر از فرهنگ ماهیتی پسینی دارد؛ ماهیتی که فرهنگ را به مثابه جمع خرد و اندیشه و میراث خردی و رفتاری گذشتگان در نظر گرفته که در فرآیند بازتولید فرهنگی به نسل بعد منتقل می شود، از این رو فرهنگ بیشتر به سبک زندگی فارغ از اندیشه گذشتگان معنا شده و متکی بر اندیشه انسان لیبرالیستی است؛ انسانی که هر آنچه که انجام می دهد مطلوب می داند چون آنچه که مطلوب است همان چیزی است که برای او انتفاعی دربر دارد. از این رو فرهنگ حاصل جمع اندیشه، کردار و رفتاری است که انسان در جامعه انجام می دهد فارغ از تعهدی که نسبت به میراث فکری گذشتگان دارد.

یکی از دیدگاه‌ها در مورد سیاست فرهنگی، عدم مداخله مطلق دولت در امر فرهنگ و از همین رو، رد هر نوع سیاست فرهنگی و برنامه ریزی است. مبنای نظری این رویکرد در نظریه آنارشیست‌ها<sup>۱</sup> نهفته است. آنارشیسم مخالف حضور دولت و نهادهای همراهی کننده آن در امر سیاست گذاری و هر گونه مداخله در عرصه فرهنگی است. نظریه پردازان آنارشیسم معتقدند که افراد بشر آزادند و به واسطه خودمختاری‌شان، با یکدیگر براساس احترام و همدلی رفتار می کنند.

این در حالی است که سایر نظریه‌های سیاسی معتقدند که این دولت است که

<sup>۱</sup> - Anarchism

می تواند یک هدف شایسته یا ارزشمند را در جامعه محقق کند، لیبرال‌ها<sup>۱</sup> معتقدند که دولت، حامی حقوق افراد است و امنیت عمومی<sup>۲</sup> را برای عمل شهروندان در جامعه فراهم می کند. سوسیالیست‌ها<sup>۳</sup> نیز دولت را به عنوان منبعی برای اصلاح اجتماعی و تحقق عدالت می دانند. آنارشیست‌ها هرگونه اقتداری را نفی و رد می کنند. دین نیز یکی از منابع اقتدار است که به ویژه وقتی با اقتدار سیاسی و با این ایده همراه می شود که افراد خودمختار هستند و صرفاً باید بر اساس مصالح خود عمل کنند، تضاد و کشمکش پیدا می کند. در بطن نظریات آنارشیسم نوعی مدینه فاضله گرای عریان وجود دارد که محور آن اعتقاد به نیکی طبیعی و نیکی بالقوه بشریت است. از این منظر نظم اجتماعی، به صورت خودانگیخته و طبیعی پدید می آید و این نظم، نیازی به قانون و حکومت ندارد.

در مقابل، دیدگاه‌هایی قرار دارند که معتقدند وظیفه دولت، بیش از یک وظیفه حداقلی است و دولت باید نسبت به امور اجتماعی-فرهنگی<sup>۴</sup> شهروندان احساس مسئولیت بیشتری داشته باشد. با مفروض گرفتن دخالت دولت در حوزه فرهنگ، این دیدگاه‌ها به بیان نحوه دخالت دولت در حوزه فرهنگ و قلمرو حضور دولت در این حوزه می پردازند. دیدگاه ساختارگرایی<sup>۵</sup> یکی از این دیدگاه‌هاست. ساختارگرایی جامعه را بر اساس ساختارها و نهادهای سامانمند از پیش موجود تفسیر می کند. در اغلب رویکردهای ساختارگرایانه، دولت و فرهنگ، دو ساختار و نظام جامعه هستند که در ارتباط با هم و در ارتباط با دیگر ساختارهای نظام‌ها فعالیت می کنند. البته فرهنگ و دولت، کارکردهای متفاوتی نیز در سیستم جامعه ایفاء می کنند که این امر آنها را در ارتباط با هم قرار می دهد و از این رو زمینه را برای نقش آفرینی دولت در عرصه فرهنگ فراهم می کند.

## اهمیت پیوست فرهنگی

<sup>۱</sup>- Liberalism

<sup>۲</sup>- Public security

<sup>۳</sup>- Socialism

<sup>۴</sup>- Socio cultural task

<sup>۵</sup>- Structuralism

برای شناخت ابعاد اهمیت پیوست فرهنگی، ابتدا باید تلقی جامعی از مفهوم پیوست فرهنگی داشته باشیم. تاثیرات متقابل هر فعالیت بزرگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر نظام بهم پیوسته اعتقادات، ارزشها و گرایشات مردم یک جامعه که به عنوان هسته مرکزی فرهنگ معروف است، موضوع بحث پیوست فرهنگی است.

«پیوست فرهنگی» برای رفع موانع اساسی پیشرفت و توسعه کشور و آثاریکه در راستای احیا و تقویت فرهنگ اسلامی بوجود می آورد، نتایج دیگری از فرایند تهیه پیوستهای فرهنگی انتظار می رود و آن شناخت و اصلاح موانع فرهنگی فرا راه توسعه و افزایش اثربخشی همه فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

### امنیت

امنیت، مصدر جعلی و صناعی است که از ریشه «امن» ساخته شده است. این واژه در فرهنگهای لغت به معنای ایمن شدن، درامان بودن، بیم نداشتن، رهایی از ترس و احساس ایمنی آمده است (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۱۹). همچنین در اعلامیه معروف حقوق بشرو شهروند، امنیت یکی از چهار ارزش بزرگ بشری معرفی شده است.<sup>۱</sup>

ولفرز (Arnold Wolfers) در تعریف خود، امنیت را در معنای عینی آن یعنی «فقدان تهدید نسبت به ارزشهای کسب شده» و در معنای ذهنی یعنی «فقدان هراس<sup>۲</sup> از این که ارزشهای مزبور مورد حمله قرار گیرد» توصیف نموده است. بلانی (Ian Bellany)، امنیت را «رهایی نسبی از جنگ (درگیری)»، همراه با انتظار نسبتاً زیاد این که نتیجه ی هر جنگی که رخ بدهد، شکست طرف مقابل است توصیف می کند. مورز (John E. Morz) امنیت را «رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش» می داند. جامعه شناسان عدم امنیت را حالات یا موقعیتهایی می داند که «نظم و انسجام و آرامش جامعه

<sup>۱</sup>- در ماده ۳ و ۲۲، ۲۹ قابل دسترسی در سایت سازمان ملل متحد <http://www.un.org>

<sup>۲</sup>- Lack of fear



را بر هم می‌زنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲۶). امنیت مقوله‌ای است که به ادراک فرهنگی<sup>۱</sup> جوامع نیز بستگی دارد (کاهان و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۴۷). (Kahn et al.).

### انواع امنیت ملی

با افزایش میزان و شدت استفاده از فن آوری‌های نوین از یک سو و تاثیر پذیرفتن مسائل اجتماعی از تغییرات مبتنی بر آن از سوی دیگر، جوامع بسیار آسیب پذیرتر از گذشته گردیده و به تبع آن ضرورت امنیت نیز اهمیت بیشتری یافته است (پیسل (Walter Pelisse)، ۲۰۰۲: ۱۲۰). وجوه متعدد و متنوع زندگی در عصر جدید امنیت را به یک مفهوم چند بعدی و منشوری تبدیل نموده است. بر این اساس صاحب نظران این حوزه نیز، برای امنیت وجوه و ابعاد مختلفی برشمرده‌اند. بوزان (Bozan) ۵ بعد امنیت را به شرح زیر معرفی می‌کند:

- ۱- «امنیت نظامی»<sup>۲</sup> که به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه‌ی دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر مربوط است.
- ۲- «امنیت سیاسی»<sup>۳</sup> ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد.
- ۳- «امنیت اقتصادی»<sup>۴</sup> یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت.
- ۴- «امنیت اجتماعی»<sup>۵</sup> که به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است.
- ۵- «امنیت زیست محیطی» ناظر بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان نظامیاست که تمامی حیات بشری به آن متکی است.

<sup>1</sup>- Cultural perceptions

<sup>2</sup>- Military security

<sup>3</sup>- Political Security

<sup>4</sup>- Economic Security

<sup>5</sup>- Social security

اگرچه امنیت ابعاد گسترده و متعددی دارد اما همه آنها در یک کلمه به «فقدان» عواملی چون تهدید، نفوذ و آسیب بر می‌گردد. در تحلیل‌های سنتی، امنیت عمدتاً بر وجوه نظامی (سخت) و حول مرزهای کشور و حفاظت از دولت متمرکز بود. حال آنکه امروزه با تغییر در ماهیت قدرت، مرز و امنیت در معادله امنیت یک کشور مولفه‌ها و متغیرهای زیادی هم در بعد ملی و هم در محیط فراملی تاثیر گذارانند که عمدتاً پیرامون عناصر نرم همچون اقتصاد، سیاست و فرهنگ قابل تبیین هستند. مقوله‌ای که در بحث پیوست فرهنگی می‌توان با در نظر گرفتن مولفه‌های فرهنگی یک پروژه از تبعات و آسیب‌های مستقیم و غیر مستقیم در بعد امنیتی کاست. در واقع آنچه پیوست فرهنگی را در بعد امنیتی واجد اهمیت می‌کند توجه به همین مولفه‌ها است؛ مولفه‌هایی که با لحاظ کردن الزامات پیوست فرهنگی زمینه ایجاد امنیت پایدار را سبب خواهد شد.

### رابطه پیوست فرهنگی و امنیت ملی

یکی از ساز و کارهای موجود در مقوله پیوست فرهنگی توجه به امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. امروزه امنیت نرم به مراتب از امنیت سخت دارای اهمیت بیشتری شده است. بر این اساس بسیاری از دولت‌ها توجه خود را بر سازه‌های امنیتی نرم بنیان گذاشته‌اند و در تلاش‌اند به هر نحو امنیت نرم را با دقت بیشتری تامین نمایند. بر این اساس مبادی که از طریق آن امکان آسیب به سازه‌های اجتماعی در بلند مدت خواهد شد را آماج توجه خود قرار داده‌اند. یکی از این مبادی، جهانی شدن به مثابه اختلاط و در هم آمیزی مرزهاست که امنیت رادر ابعاد مختلف با چالش مواجه کرده است. جهانی شدن با فشرده سازی مفرط زمان و مکان و نزدیک نمودن مرزها و تغییرات سریع در حوزه هویت کشورها را به موضع گیری در برابر خود واداشته است. در کشورهای توسعه نیافته در مواجهه با جهانی شدن سه رویکرد متفاوت

به کار گرفته شده است: رویکرد تقابل<sup>۱</sup> بر این باور است که جهانی شدن فرهنگ‌ها را بر انگیزته و تهدید کرده است. در نتیجه در این جوامع واکنش‌هایی برای تلاش به سوی بازگشت به سنت‌های گذشته، در قالب بنیاد گرایی دینی<sup>۲</sup> و تقریر از مفهوم هویت به عنوان پایگاهی برای مقابله با جهانی شدن سرمایه داری<sup>۳</sup> صورت گرفته است. در رویکرد دوم که از آن به فرسایش<sup>۴</sup> یاد می‌شود فرهنگ غرب به عنوان نیروی محرکه جهانی سازی در نظر گرفته شده و رشد و توسعه آن منوط به فرسایش و سایش دیگر فرهنگ‌ها و هویت‌ها و جایگزینی تدریجی<sup>۵</sup> عناصر فرهنگ غربی گردیده است. این رویکرد به یکسان شدن دیگر فرهنگ‌ها و همگون شدن آن با فرهنگ غرب اعتقاد دارد. در رویکرد سوم یعنی رویکرد دیالکتیکی<sup>۶</sup> مواضع تسلیم و تقابل نقد گردیده و به جای آن تعامل توأم با تعارض مطرح می‌گردد. این رویکرد به همزیستی فرهنگ‌ها<sup>۷</sup> و معنا یابی واژگان جدید جهانی با رویکرد هویت یابی اشاره دارد (پولادی، ۱۳۸۷: ۱۴). در هریک از این رویکردها توجه به سهم فرهنگ جهانی در شکل دهی به ماهیت هویت و شیوه زندگی (فرهنگ) قابل توجه است، دریک از حالت‌های ذکر شده؛ عناصر فرهنگی طبعا دچار تغییر و تحول خواهند شد، و سهم فرهنگ جهانی در این تغییر ناچیز نیست، از این روی توجهی به سهم فرهنگ جهانی در تغییر این نامعادلات؛ فرهنگ شکل گرفته را در ابهام نگه خواهد داشت.

یکی دیگر از مسائلی که آسیب امنیتی به همراه خواهد داشت مقوله توسعه نامتوازن داخلی است. بی توجهی به عدالت می‌تواند تا حد زیادی زمینه فقر را فراهم آورد و مولفه‌های فرهنگی که در معرض مواجهه با مولفه‌های قدرتمند فرهنگ غیر قرار

<sup>۱</sup>- Contrast approach

<sup>۲</sup>- Religious fundamentalism

<sup>۳</sup>- Capitalistically globalization

<sup>۴</sup>- Erosion approach

<sup>۵</sup>- Gradual replacement

<sup>۶</sup>- Dialectic approach

<sup>۷</sup>- Coexistence of cultures

می‌گیرند، تخریب شوند. سرعت تغییرات بقدری زیاد است که شدت و تجلی عدم توسعه متوازن را بیشتر نمایان می‌کند. از سوی دیگر سهم مولفه‌های نامتوازن رشد کرده در ناسازواری فرهنگ داخلی نیز مساله دیگری است که باعث رشد کاریکاتوری فرهنگ خواهد شد. بدین معنا که توسعه نامتوازن علاوه بر اینکه نمی‌تواند زمینه جلو گیری از ورود عناصر مخرب را بگیرد، خود عامل تخریب بنیان‌های فرهنگی می‌شود. این توسعه نامتوازن از یک سو شکاف نسل‌ها را تعمیق می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۲۲) و از سوی دیگر محتوی میراث فرهنگی در سطح اقتصادی معنا می‌دهد.

عدالت اجتماعی به اشکال متعدد در تصمیم‌گیری‌های افراد جامعه نسبت به مفید بودن یا نبودن سیاست‌های حکومت‌ها در راستای جلب مشارکت مردم برای همراهی و همکاری در اجرای برنامه‌ها، همواره نقش با اهمیتی را ایفا کرده و می‌کند. عدالت را می‌توان به مفهوم توزیع امکانات و فرصت‌ها به تناسب شایستگی‌ها و حتی برابری و مساوات در نظر گرفت. مطالعات نشان می‌دهد که ادراک اعضای جامعه از مفهوم عدالت سازه‌ای چند بعدی است و احساس می‌کنند که عدالت در طول دوران تاریخی معاصر در سطح جامعه محقق نشده است (سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۶). وجود عدالت اجتماعی به استحکام نظام سیاسی کمک می‌کند از این رو توجه به آن در نظام‌های مردم‌سالار از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه به عدالت اجتماعی به همان اندازه که در حوزه برابری سیاسی واجد اهمیت است (عریضی و گل‌پرور، ۱۳۸۴: ۱۵۹). می‌تواند در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی از طریق ادراک عدالت اجتماعی به ویژه عدالت توزیعی منجر به ایجاد شکاف طبقاتی و بازتولید فرهنگ ناشی از این طبقات گردد. همچنین عدم عدالت اجتماعی موجب بروز ناهمسانی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌گردد.

هنگامی که جامعه‌ای عناصر هویت‌ساز خود را در خارج از مرزهای ملی خود جستجو می‌کند درحقیقت به مصرف‌کننده الگوهای عرضه شده فراملی تبدیل می‌شود، این

مصرف کنندگی ابعاد متعددی به خود می‌گیرد تا جایی که در نتیجه نوع نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها، لباس و الگوی پوشش، شیوه‌های گذراندن اوقات فراغت، مسکن و محل سکونت، تغییرات اساسی رخ داده و شباهت‌ها فزونی می‌یابد. در مجموع در فرآیند جهانی شدن فرهنگی، ذهن مردم و طرز تلقی و نگرش آن‌ها نسبت به جایگاه خود در جهان متحول شده و به آگاهی مردم در محیط‌های فرا سرزمینی خود افزوده خواهد شد. از آنجایی که بین فرآیند جهانی شدن فرهنگ و برجستگی ابعاد چندگانه هویت، رابطه وجود دارد (ادیبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۸). تحقیقات نیز تاثیر عواملی نظیر گروه‌های مرجع، نگرش فرهنگی خانواده، نگرش گروه دوستان و رضایت از کشور، بر نگرش جوانان نسبت به جهانی شدن فرهنگ را تأیید می‌کند (شاهنوشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

هویت‌های متکثر از طریق مصرف فرهنگی شکل می‌گیرند. به اعتقاد پارکر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) مصرف فرهنگی می‌تواند شکل دهنده به فرهنگ مردمی<sup>۲</sup> باشد چرا که محتوای فرهنگ مردمی را مشخص می‌کند. فرهنگ مردمی شامل نظام باورها، ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، شعائر، آداب و رسوم افراد یک جامعه است (کوثری و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹). از سویی این فرهنگ در محتوای رسانه‌های جمعی از قبیل کتابها، مجلات، رادیو، ماهواره، اینترنت و... که آگاهی فرهنگی و ارتباط فرهنگی را منجر می‌گردد قابل مشاهده است. فرهنگ عامه پسند<sup>۳</sup> سهمی خاص از این فرهنگ و بخش دیگری از این فرهنگ در رفتار روزمره مردم در معابر، بازار، خیابان‌ها و بخش دیگری از این فرهنگ در ماهیت محصولات فرهنگی جای می‌گیرد.

هویت‌های متکثر<sup>۴</sup> که از تکثر عناصر فرهنگی نشات گرفته اند علاوه بر اینکه زمینه ناهمگونی و عدم تجانس هویتی جامعه را ایجاد می‌کند؛ انسجام و وحدت جامعه را نیز

<sup>۱</sup>- Parker

<sup>۲</sup>- Populaire culture

<sup>۳</sup>- Folklore

<sup>۴</sup>- Plural identifies

تحت تاثیر قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که اکثر دولت‌ها با تنوع و تکثر فرهنگی مخالفت می‌کنند همین اصل است که تنوع و تکثر فرهنگی انسجام ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تکثر دینی یکی از انواع تکثرهاست که عدم انسجام ملی و فراملی را در بر دارد دین با استناد به عناصر مشترک خویش فرصتی هویت ساز به وجود می‌آورد. اما هنگامی که تکثر دینی مطرح می‌شود این کارکرد دین با چالشی بزرگ مواجه می‌گردد. این مساله علاوه بر اینکه منجر به گسترش تکثر گرایی دینی می‌شود، شکاف میان نسلی را به عمیق تر و معادله قدرت فرهنگی را به نفع هیچ کس رقم می‌زند.

مساله ای که از تکثر فرهنگی خطرناکتر است شکل گیری هویت‌های التقاطی است؛ بدین معنا که تکثر فرهنگی به واسطه تعلق داشتن به گستره ای از فرهنگ‌ها ناشی از نوعی خرد اجتماعی است که نتیجه آن دست یابی به خیر مشترک جمعی است؛ در حالی که هویت‌های التقاطی متعلق به هیچ فرهنگی نیستند؛ و نه تنها برای فرهنگ پذیرنده خطر جدی محسوب می‌آیند؛ عامل تهدیدی برای فرهنگ مسلط نیز هستند. هویت‌های التقاطی علاوه بر تکثر واجد صفت تقابل اند، این مساله پیوست فرهنگی را در عمل با شکست مواجه می‌کند.

یکی دیگر از عرصه‌هایی که پیوست فرهنگی را به مقوله امنیت ملی ارتباط می‌دهد و زمینه ساز افزایش امنیت ملی در ابعاد مختلف است، مقوله آمایش سرزمینی است. آمایش سرزمینی از مفهومی جغرافیایی و مبتنی بر توجه به هزینه، فایده و توزیع جمعیتی در فعالیت‌های اقتصادی، به تدریج و در دهه‌های اخیر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یافته است. آمایش عبارت است از سیاستی که در یک چارچوب جغرافیایی معین در پی بهترین توزیع ممکن جمعیت بر حسب منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی است. بر این اساس توجه به سازه‌های جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی که در پیوست فرهنگی نیز لحاظ می‌شود در آمایش سرزمینی مورد توجه

قرار می‌گیرد. این مساله ضریب امنیت ملی فنی و تجهیزاتی را نیز بالاتر خواهد برد و از سویی سبب افزایش قدرت دفاع غیر نظامی در مواجهه با تهدیدات خواهد شد. در دفاع غیرعامل نیز مانند آمایش سرزمینی برنامه ریزی می‌شود تا با روش‌های غیرنظامی آسیب‌پذیری در نیروی انسانی، ساختمان و تاسیسات صنعتی، اقتصادی و مانند آن به حداقل و در مقابل منافع ملی به حداکثر برسد؛ به عبارت دیگر، در دفاع غیرعامل، تهدیدات ممکن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناسایی می‌شود تا بتوان برای تقلیل آسیب‌پذیری، مقابل آن یک نوع دفاع موثر (غیرنظامی) طراحی کرد؛ لذا دفاع غیرعامل و آمایش سرزمینی به نوعی مکمل قدرت دفاع یا دفاعی عامل کشور به شمار می‌آیند که در استراتژی کلان کشور به ویژه در توزیع فضایی و تکمیل بخش‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی در بخش صنعت و اقتصاد برای تقویت امنیت، یکپارچگی و همبستگی‌ها ضرورتی آشکار دارند.

یکی دیگر از وجوه مهم امنیت ملی در جوامع امروز امنیت محیطی<sup>۱</sup> است که در بافت‌های گوناگون از محله تا جهان شهر می‌تواند دامنه دار باشد. بافت غالب شهری در محیط زندگی مساله امنیت شهری و ارتباط آن با فضای شهری و به عبارت دیگر امنیت محیطی را مطرح نموده است. در این رابطه می‌توان به سه عامل اساسی که افزایش دهنده ضریب امنیت محیطی در فضای شهری است اشاره نمود (جعفر پور و همکاران، ۱۳۸۷):

(۷۹):

۱- آگاهی از محیط<sup>۲</sup>

۲- قابلیت مشاهده توسط دیگران<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - امنیت محیطی با امنیت زیست محیطی تفاوت بسیار فاحشی دارد. در امنیت محیطی (کالبدی) خطرات ناشی محیط که به انسان بر می‌گردد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در حالی که در امنیت زیست محیطی تلاش برای کاهش آسیب‌هایی است که انسان به محیط زیست طبیعی وارد می‌کند و این تاثیرات سایر عرصه‌های زندگی انسانی را به مخاطره می‌کشاند. در امنیت محیطی تاکید توجه به سازه‌ها و کالبدی است که توسط خود انسان بنیان گذاشته می‌شود. در حالی که در امنیت زیست محیطی انسان محیط زیست را نا امن می‌کند.

<sup>۲</sup> - Awareness of the environment

### ۳- دسترسی سهل به کمک در صورت نیاز<sup>۲</sup>

ترکیب موثر این عوامل در ساخت و طراحی فضای محیطی می‌تواند تا حد قابل توجهی ضریب امنیتی را افزایش و میزان جرم<sup>۳</sup> و تخلفات را کاهش دهد.

فقدان تهدید در تمامی عرصه‌های امنیت در بعد اجتماعی و در امنیت عمومی<sup>۴</sup> جامعه تجلی می‌یابد. امنیت عمومی ناظر بر تولید و حفظ شرایطی است که در آن، منافع، مصالح، حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین گردد. در این تعبیر، وجوه امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی، محیطی، روانی، اجتماعی (فردی-جمعی) است. منشأ بروز تهدید در سطح ملی و محور آن منافع، مصالح و یا آسیب‌ها و بحران‌های ناشی از نظم و تعادل و یا تغییر و تحولات و نیروی انتظامی عهده‌دار حفظ و حراست آن می‌باشد.

مفهوم امنیت عمومی، بر حفظ جان، مال و شئون زندگی افراد و مقابله با جرایم و آسیب‌های اجتماعی و نیز برقراری نظم و قانون دلالت می‌کند. جامعه‌ای که در آن احساس امنیت و آرامش وجود نداشته باشد و ضریب امنیت عمومی آن از یک سو به خاطر رشد جرایمی مانند سرقت، قتل، تبهکاری، مواد مخدر و... و از سوی دیگر به سبب آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، خودکشی، بی‌نظمی و قانون‌گریزی و... کاهش یابد، فضای عمومی افراد را دچار آشفتگی و پریشانی نموده و دل‌مشغولی اصلی آن‌ها را مصون ماندن از چنین خطراتی تشکیل می‌دهد؛ زیرا افزایش جرایم اجتماعی<sup>۵</sup>، زندگی را برای آحاد جامعه غیرقابل پذیرش می‌کند.

در بحث‌های مربوط به امنیت ملی، معمولاً به ابعاد ذهنی و عینی مفهوم امنیت ملی پرداخته میشود. بعد عینی امنیت ناظر بر ویژگی‌ها و شرایط خارجی است که به مثابه شاخصهای

<sup>1</sup> - Ability to observed by others

<sup>2</sup> - Easy access to help if needed

<sup>3</sup> - Crime

<sup>4</sup> - Public security

<sup>5</sup> - Social crime



ظاهری امنیت شناسایی شده اند. در مقابل، بعدذهنی امنیت، ناظر بر احساسی است که نسبت به ایمن بودن یا نبودن خود در کشگر، ایجاد می گردد.

اگرچه نمی توان به مساله امنیت نگاهی یک سویه و تک بعدی داشت اما برخی از عرصه های امنیت امروزه اهمیت بیشتری یافته اند. برای مثال عرصه هایی چون امنیت محیطی، ارتباطات مجازی، اطلاعات، اقتصاد، تهدیدات نرم، امنیت فرهنگی و.. حوزه هایی از امنیت است که بی شک آرام تر، کم هزینه تر و با اهمیت تر بوده و بر مساله امنیت عمومی و ملی تاثیرات قابل توجهی خواهد گذاشت.

بعد نرم امنیت، پندارها، عقاید و دیدگاه های جامعه را در عرصه های اجتماعی، روانی، اقتصادی و دینی مورد بررسی قرار می دهد. تهدید در این بخش «تهدید نرم» و در شکل تهاجمی آن «جنگ نرم»<sup>۱</sup> نام دارد. در بعد مقابل امنیت سخت به مفهوم محافظت از مرزهای طبیعی و کالبدی است. نمی توان هیچ بعدی از ابعاد امنیتی را کم اهمیت پنداشت. بعد پنداری و نرم امنیت به واسطه ماهیت و اهمیتش امروزه مورد توجه بیشتری قرار گرفته است.

احساس امنیت با مقوله نظم و انضباط اجتماعی<sup>۲</sup> ارتباط تنگاتنگی دارد. انضباط اجتماعی عنصر ذاتی و ضروری جوامعی است که رشد و توسعه پایدار را عینیت می بخشد. اگرچه عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بر مساله انضباط اجتماعی تاثیر گذارند اما نتایج تحقیقات در حوزه انضباط اجتماعی نشان دهنده این مهم است که رابطه معناداری بین شاخص های فرهنگی و اجتماعی از یک سو و انضباط اجتماعی در جامعه وجود دارد (ملائی، ۱۳۸۷: ۲) به عبارت دیگر مولفه های فرهنگی در یک جامعه در ایجاد و فقدان انضباط اجتماعی نقش موثری ایفا می کنند، از طرف دیگر انضباط اجتماعی عامل مهمی در احساس مسئولیت اجتماعی بین شهروندان تلقی می گردد.

<sup>۱</sup> - Soft war

<sup>۲</sup> - Social discipline

احساس مسئولیت در شهروندان متشکل از دو بعد، تعهد درونی<sup>۱</sup> یعنی انگیزه و عوامل بیرونی، چون فشارها، اجبارها و... است. انگیزه به عنوان یک عامل درونی فرد را به تحرک و داشته و وی را به پذیرش مسئولیت و پاسخگویی ترغیب می‌کند. از طرف دیگر عوامل خارج از وجود فرد چون اجبار یا فشار از طرف منابع مختلف قدرت نیز می‌تواند عامل پذیرش مسئولیت بین افراد تلقی گردد. علاوه بر دو عامل ذکر شده تحقیقات نشان می‌دهد یکی از مهم ترین عوامل ایجاد کننده مشارکت و ارتقاء آن در جامعه وجود احساس امنیت<sup>۲</sup> و سرمایه فرهنگی در بین شهروندان است (کردلو، ۱۳۸۷: ۱؛ صالحی امیری و افشاری، ۱۳۹۰: ۷۶).

امنیت اجتماعی در فضایی شکل می‌گیرد که ساختارها و پندارهای اجتماعی از تهدیدهای بیرونی و ضعف درونی مصون باشند. غالباً از امنیت اجتماعی با عنوان امنیت اجتماعی-فرهنگی<sup>۳</sup> یاد می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند بین احساس امنیت و عوامل اقتصادی و قومیتی رابطه معنا داری وجود دارد (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱). در واقع مقوله احساس امنیت به سطح درآمد خانواده و همچنین تفاوت‌های فرهنگی و تنوع قومیتی و پذیرش از سوی اجتماع ارتباط دارد.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که محل سکونت بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات موثری دارد. همچنین سطح برخورداری خانواده از امنیت جانی، مالی، شغلی، عاطفی و اخلاقی به نوبه خود تاثیر زیادی بر امنیت اجتماعی به عنوان شاخص ترکیبی از سطوح گوناگون امنیت در اجتماع را نشان می‌دهد (ساروخانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۷). بر این اساس می‌توان گفت امنیت اجتماعی خصلتی تفاضلی<sup>۴</sup>، شبکه‌های، جمعی و ترکیبی دارد و متناسب با محل سکونت خانوارها، این ویژگی‌ها دستخوش تغییر می‌شوند.

<sup>۱</sup>- Internal commitment

<sup>۲</sup>- Sense of security

<sup>۳</sup>- Socio cultural security

<sup>۴</sup>- Differential

بررسی‌ها در خصوص امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که این مساله با نیازهای اقتصادی، نیازهای اجتماعی و میزان جامعه پذیری افراد، ویژگی‌های اخلاقی، خویشاوندی و همچنین دین ارتباط دارد. تحقیقات نشان می‌دهد (نجاتی و مستمع، ۱۳۸۹: ۱۸۳) عمده خشونت شهری<sup>۱</sup> از برخورد قومیت‌ها و نژادهای مختلف نشات می‌گیرد. امنیت اجتماعی از یکسو به سلامت و کارکرد تمامی عناصری که در حوزه اجتماعی در قالب پندارها و ساختارها مطرح می‌شود و از سوی دیگر به میزان همبستگی مولفه‌هایی که امنیت فرهنگی شهروندان را تعیین می‌کند وابسته است.

تمامی آنچه در بالا به آن اشاره شده تاثیراتی است که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در ابعاد مختلف بر امنیت به مثابه یک سازه کلان خواهند داشت. و امنیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت الشعاع قرار می‌دهند. مسائلی که با در نظر گرفتن الزامات پیوست فرهنگی تا حد قابل توجهی از شدت تاثیرات منفی آن کاسته خواهد شد.

### نتیجه گیری

پیوست فرهنگی، نگرشی تجویزی، برنامه ریزی شده و پیشینی به فرهنگ با هدف مهندسی بطون فرهنگی است. اگر چه در نظر این امر غالباً به ارزیابی فرهنگی پدیده‌های تمامی اجتماعی معطوف است اما در عمل گره خوردن آن با مقوله مهندسی فرهنگی و ابهامات و پیچیدگی‌های آنها چالش‌های عدیده‌ای را پیش می‌آورد که پیوست فرهنگی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. پیوست فرهنگی ابزار کارسازی برای این سطح از مدیریت محسوب می‌شود. در واقع پیوست فرهنگی یک «ابزار» است برای اجرا که بدون حضور نقشه‌ها و سیاست‌های کلان کارآمدی نخواهد داشت. عبارت دیگر پیوست فرهنگی

<sup>۱</sup> - Urban violence

ابزار پیوند بین مدیریت راهبردی و مدیریت اجرایی فرهنگ است. پیوست فرهنگی ابزاری است که هدفش اتصال بخش اجرایی فرهنگ به بخش راهبردی آن است. یکی از کارکردهایی که پیوست فرهنگی در پی دارد، ایجاد بسترهای امنیتی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به آن اشاره شد. در واقع پیوست فرهنگی می‌تواند به طور غیر مستقیم با ملحوظ داشتن مولفه‌های فرهنگی یک پروژه، شکاف میان عملیاتی کردن پروژه و تناسب میان فرهنگ و سازه‌های اجتماعی را کاهش و آسیب‌های احتمالی را در بعد امنیتی کمتر کند. در واقع آنچه در پیوست فرهنگی لحاظ می‌گردد این است که چگونه تناسب میان سازه‌های فرهنگی و اجتماعی با پروژه‌های اقتصادی و فنی حفظ گردد به گونه‌ای که از آسیب به مولفه‌های فرهنگی اجتناب شود. اجتناب از آسیب به سازه‌های فرهنگی تا حد زیادی به افزایش امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، ملی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... منجر خواهد شد. موضوعی در قالب بخش‌های مختلف در این مقاله بدان پرداخته شد.

### پیشنهادات و راهکارها

با توجه به اهمیت سازه‌های فرهنگی پیشنهاد می‌شود ارتباط مستمر و هماهنگی با سازمان‌های غیر فرهنگی صورت پذیرد. رسانه ملی در این راستا می‌تواند نقش بی بدیلی در معرفی سازی‌های هویتی و فرهنگی جامعه به ویژه در حوزه گسترش پیوست فرهنگی از خود نشان دهد. همچنین تخصیص بودجه‌ها مشوق‌ها و ابزارهای کنترلی در راستای تشویق سازمان‌ها و پیشگیری از عملکرد نامناسب، که آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در پی دارد می‌تواند کار ساز باشد.

## منابع و ماخذ

- ۱- ادیبی مهدی، ریزدخواستی بهجت و فرمند مهناز. ۱۳۸۷. جهانی شدن فرهنگ با تاکید بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۹،
- ۲- بهشتی محمد. ۱۳۷۸. فرهنگ فارسی صبا.
- ۳- بنیانیان حسن. ۱۳۸۹. مهندسی فرهنگی، کنفرانس بین المللی مهندسی فرهنگی، بوشهر
- ۴- پولادی ک. ۱۳۸۷. جهانی شدن و هویت فرهنگی. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام، پ ۱۹.
- ۵- تاجیک م. ر. ۱۳۸۷. شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز؛ تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۶- جعفر پور محمد رضا و همکاران. ۱۳۸۷. ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تاکید بر رویکرد C.P.T.E.D نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت شماره ۶، سال ۱۳۸۷
- ۷- چلبی، م. ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی؛ تهران نشر نی
- ۸- خامنه ای. سید علی. ۱۳۸۶. در محضر ولایت، مجموعه رهنمودهای امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله

## العالی) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

۸۶/۹/۲۶

۹- رنجبر م و ستوده ه. ۱۳۸۳. مردم شناسی با تکیه بر فرهنگ

مردم ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات ندای.

۱۰- ساروخانی باقر، نویدنیا منیژه. ۱۳۸۶. امنیت اجتماعی

خانواده و محل سکونت، در تهران، ه. فصلنامه رفاه

اجتماعی؛ شماره ۶

۱۱- سورین. ورنر و تانکار. د. جیمز. ۱۳۸۶. نظریه‌های

ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. انتشارات دانشگاه تهران

۱۲- شاهنوشی مجتبی، ولری سعیده. ۱۳۸۹. بررسی عوامل موثر

بر نگرش جوانان به جهانی شدن فرهنگ. فصلنامه علوم

اجتماعی؛ شماره ۴

۱۳- صالحی امیری، امیر عباس عظیمی دولت

آبادی. (ب) (۱۳۸۷). مبانی سیاستگذاری و برنامه ریزی

فرهنگی. چاپ اول. تهران پژوهشکده تحقیقات

استراتژیک، انتشارات شادان

۱۴- صالحی امیری. س. رضا. ۱۳۸۷. بررسی چالش‌های

سیاست فرهنگی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع

تشخیص مصلحت نظام

۱۵- صالحی امیری سید رضا و کاوسی اسماعیل، مقدمه‌ای بر

مراحل اجرایی برنامه ریزی جامع فرهنگی؛ معاونت

پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام

- ۱۶- صالحی امیری سیدرضا، افشاری نادری افسر. ۱۳۹۰. **مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران**، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۰
- ۱۷- صدیق سروستانی رحمت الهو دغافله عقیق. ۱۳۸۷. **مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی (مورد تهران بزرگ)** نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶،
- ۱۸- عریضی سامانی سیدحمیدرضا و گل پرور محسن. ۱۳۸۴. **رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مولفه های برابری سیاسی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴
- ۱۹- قلی زاده‌ها، نوروزی م. ۱۳۸۹. **هویت بخشی فرهنگی در شهر الکترونیک**. چکیده مجموعه مقالات همایش اصفهان، فرهنگ، شهر سالم؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان و سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۲۰- کاوسی، اسماعیل و چاوشی فرزانه. ۱۳۸۷، **دولت و برنامه ریزی فرهنگی**، پژوهشنامه شماره ۲۸. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۲۱- گروسی س. میرزایی ج. شاهرخی ا. ۱۳۸۶. **بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت**؛ فصلنامه دانش انتظامی سال نهم، شماره دوم، انتشارات ناجا
- ۲۲-

ردلو م. ۱۳۸۷. احساس امنیت و مشارکت عمومی دانش

آموزان، فصلنامه امنیت اجتماعی؛ شماره ۵ سال ۱۴ انتشارات ناجا

۲۳-

وثری م، نجاتی حسینی س م، ایمانی جاجرمی ح، گلی ع. ۱۳۸۷.

توسعه فرهنگی تهران، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز

مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.

۲۴-

لائی ک. ۱۳۸۷. خرده فرهنگها و انضباط اجتماعی،

فصلنامه امنیت اجتماعی؛ شماره ۵ سال ۱۴ انتشارات ناجا

۲۵-

اظمی اردکانی مهدی و سوسن کشاورز. ۱۳۸۵. بررسی تطبیقی

شاخص های حوزه فرهنگی در ایران و جهان. شورای عالی

انقلاب فرهنگی

26- Kahn, Dan M. and Barman, Donald, 2006.

**Cultural Cognition and Public Policy.** Yale Law & Policy Review, Vol. 24

27- Palmer, Robert. 2004. an Integrated

Approach to Planning in Culture for the 21st Century. [www.barcelona2004.org](http://www.barcelona2004.org)

28- Surveillance and Security - A Dodgy

Relationship, Walter Pelisse, 2002, **Institute of Technology Assessment (ITA)** Working Paper No. ITA-02-02.



- 29- Unesco.2010.Intangible heritage.  
Available from  
[http://portal.unesco.org/culture/en/ev.phpURL\\_ID=34325&URL\\_DO=DO\\_TOPIC&URL\\_SECTION=201.html](http://portal.unesco.org/culture/en/ev.phpURL_ID=34325&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html), [Accessed 2010-01-27 4:42 pm].

